

## عزیز الله تاجیک اسماعیلی

### مقدمه

رشد و کمال انسان به واسطه زندگی اجتماعی و از طریق دستاوردهای فرهنگی امکان پذیر است، یعنی مجموعه دستاوردهای علمی، هنری، اخلاقی که به واسطه حیات اجتماعی و از طریق تعلیم و تربیت به نسلهای بعدی انتقال می یابد.

در زندگی اجتماعی، فرهنگ عامل انسجام و تداوم است و حیات فرد در مجموعه روابط و نظامهای اجتماعی و از طریق یادگیریها و آموزشها ممکن می گردد. این یادگیریها به دو شکل صورت می گیرد:

الف - آموزشهای رسمی

ب - یادگیریهای غیر رسمی و از خلال مناسبات انسانی (از ابتدای تولد)

آموزشهای رسمی را مدارس و نهادهای تعلیم و تربیت به عهده دارند، لیکن مناسبات انسانی غیر رسمی و نخستین و زندگی در واحدها و گروههای اجتماعی، هم زمینه انتقال حجم عظیمی از معارف فرهنگی است و هم در تکوین نگرشهای اساسی و خصوصیات شخصیتی افراد نقش مهمی را ایفا می کند.

### اهمیت خانواده

خانواده به عنوان یک گروه و واحد اجتماعی در برگیرنده بیشترین، عمیق ترین و اساسی-ترین مناسبات انسانی است. خانواده علاوه بر

این مقاله که در زمینه تشریح ساخت و روابط خانواده در فرهنگ و معارف اسلامی تهیه شده است، به زبانهای انگلیسی و فرانسه در هجدهمین کنگره فدراسیون بین المللی آموزش اولیاء که در تاریخ ۴ تا ۶ خرداد ماه سال جاری در فرانسه برگزار شد، ارائه گردید.



**قوام خانواده،  
یک رویکرد اسلامی**

باید انتظار تزلزل و آسیب‌پذیری شخصیت افراد را در دوران بعدی زندگی داشته باشیم. کشف پدر در مرحله بعد از کشف مادر به توسط کودک نیز از این نظر در رشد روانی و شخصیتی کودک حائز اهمیت است که احساس وجود یک چهره حمایت‌کننده و نماد قدرت، به او در برقراری روابط احساس‌توانایی می‌دهد و این همه برای کودک در حالت وجود یک خانواده استوار و باقوام امکان‌پذیر است که از آسیب‌های اجتماعی مصون باشد.

### خانواده در اسلام

از نظر قرآن کریم، انگیزه تشکیل خانواده فطرت انسانهاست. براین اساس باید این کانون را در بردارنده یک ارتباط طبیعی در بین اعضای آن بدانیم که در سرشت "انسان" ریشه دارد. خداوند برای بیان نمونه‌های لطف خویش به انسانها، قرار دادن زوج (همسر) برای هر فرد را ذکر می‌کند که حامل آرامش و امنیت خاطر است<sup>۱</sup> و ایجاد محبت و الفت بین زن و مرد را در زندگی خانوادگی نیز از نشانه‌های حکمت و رحمت خود ذکر می‌نماید. قرآن بیان می‌کند که در کانون خانواده که محبت و الفت بین زن و شوهر در آن شکل می‌گیرد، نشانه‌های دیگری از این حکمت و رحمت را می‌توان یافت<sup>۲</sup> و علی‌الاصول محیط خانه وسیله آرامش روحی زن و مرد قرار داده شده است<sup>۳</sup>.

اساس تشکیل دیگر اجتماعات انسانی را نیز نمی‌توانیم صرفاً یک قرارداد تلقی کنیم و هرکدام دارای قانونمندی‌های خاص خود و دارای کارکردهایی است. لیکن باید گفت آن گروه و واحد اجتماعی که قادر است

آنکه منبع اولیه ارضای نیازهای اساسی فرد می‌باشد، موقعیتهای متعدد برای یادگیری، شکل‌گیری نگرشها و تشکیل باورهای اساسی یک فرد را فراهم می‌آورد که برای زندگی اجتماعی و بهره‌وری از میراث فرهنگی و انتقال آن حائز اهمیت است.

خانواده یک گروه صرفاً قراردادی نیست، بلکه یک واحد اجتماعی اولیه از مناسبات انسانی است و براساس پیوندهایی بنا شده است که ریشه در طبیعت و فطرت انسان (زن و مرد) دارد. خانواده در بدو تشکیل، هدفش ارضای نیازهای جسمی و روانی است که در حفظ سلامت و رشد روانی فرد از اهمیت بسزایی برخوردار است. نیازهای جنسی، امنیت عاطفی و روانی، محبت و احساس تعلق در زندگی خانوادگی به بهترین شکل ممکن ارضا می‌شود و راههای دیگر ارضای این نیازها در چهارچوب روابط خارج از خانواده اولاً گاه به میزان بسیار اندک امکان‌پذیر است و ثانیاً مغل روند تکامل افراد و جامعه، بویژه در حالت مناسبات جنسی کنترل نشده بین انسانهاست.

خانواده برای کودکان پایگاهی است که اولین مناسبات انسانی آنها را شکل می‌دهد، منبع تأمین نیازهای اولیه و اساسی آنهاست و کودک نخستین تجارب را در آن به دست می‌آورد.

کودک اولین تجربیات را در روابط خود با مادر کسب می‌کند. پذیرندگی عاطفی و روانی، استحکام و استمرار روابط مادر با کودک از عوامل اساسی در بنای شالوده‌های روانی و شخصیتی کودک است و به هر نسبتی که این ارتباط تحت تأثیر عوامل مختلف مختل شود،

جامعه‌شناسی و تکیه بر تحقیقات انجام شده در علوم انسانی می‌توانیم فهرستی از ملاک‌های مثبت و منفی را ارائه دهیم. لیکن در اینجا به دو دلیل فقط برخی موارد را به عنوان یک بینش مکتبی و فلسفی بیان می‌کنیم که در اسلام وجود دارد و طبعاً تأیید کننده و تکامل بخش دستورهای ادیان دیگر نیز هست.

الف - نسبت موجود دریافته‌های علوم انسانی مانع از آن است که بتوانیم احکام کلی و قطعی را برای تشکیل خانواده و تنظیم روابط درون آن یا هرگونه مناسبات اجتماعی دیگر ارائه دهیم؛ هرچند یافته‌های علوم انسانی با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و اجتماعی جوامع باید بطور جدی مورد توجه باشد.

ب - در این مقاله، هدف ارائه یک رویکرد خاص است نسبت به خانواده. لذا می‌خواهیم بعضی جنبه‌های مهم این رویکرد مورد اشاره قرار گیرد. از یک دیدگاه تجربی این رویکرد را می‌توانیم به عنوان مفروضاتی مبنای انجام مطالعات و بررسیهای اجتماعی و فرهنگی قرار دهیم تا از نتیجه آنها احکام و توصیه‌هایی را برای تحکیم مبانی خانواده در جوامع مختلف ارائه کنیم.

### ۱ - تشکیل خانواده

در اسلام بنای خانواده یکی از ارزشمندترین و مقدس‌ترین اقدامات برای هرانسان تلقی شده است، به گونه‌ای که هیچ اقدام اجتماعی را نمی‌توان از جهت ارزش با آن مقایسه کرد. از پیامبر اسلام نقل شده است که "هیچ بنایی در اسلام نیست که نزد خداوند محبوبتر از ازدواج باشد".<sup>۶</sup>

اساسی‌ترین نیازهای روانی و عاطفی انسان را از ابتدای تولد تا پایان زندگی پاسخ دهد، خانواده است.

خانواده یک گروه اجتماعی کوچک است که در حفظ و استمرار میراث فرهنگی جامعه، افزایش قدرت مقاومت در برابر نابسامانیها و مقابله با آسیبهای اجتماعی نیز می‌تواند نقش قابل توجهی ایفا کند. تجربه کشور آلمان بعد از جنگ دوم و جست و جو برای یافتن راهی به منظور ایجاد حداکثر آزادی و تلفیق باثبات اجتماعی و توجه به تقویت گروههای کوچک و مناسبات انسانی بین این گروهها و در رأس آنها توجه متفکران علم جامعه شناسی به تقویت روابط خانوادگی، نمونه‌ای از اهمیت خانواده در جهان امروز است.<sup>۴</sup>

توجه احکام اسلام به حفظ روابط خانوادگی و احترام به آن حتی در مقایسه با مهم‌ترین فعالیتهای اجتماعی از قبیل جهاد و جنگ با دشمنان تأکیدی است بر این جنبه از ارزش و اهمیت خانواده. نقل است که شخصی نزد پیامبر اسلام آمد و عرض کرد پدر و مادر پیری دارم که به خاطر انس با من مایل نیستند به جهاد بروم. ایشان در جواب گفتند: پیش پدر و مادرت بمان که انسن یک روز آنان باتو از یک سال جهاد بهتر است.<sup>۵</sup>

### جنبه‌های اهمیت خانواده

اگر در این بینش فرهنگی تا چنین حدی بر اهمیت خانواده تأکید می‌شود، آیا احکام و دستورهایی برای تشکیل خانواده، تنظیم روابط بین اعضا و تقدم آنها نسبت به یکدیگر وجود دارد؟ شک نیست از زاویه دید روان‌شناسی و

دو همسر را برطرف می‌سازد، صفاتی را که لازمۀ رشد شخصیتی آنهاست، از جمله مسؤولیت پذیری، ارزشهای اخلاقی، روحیۀ تعاون و تلاش مشترک را در آنان رشد داده، تقویت می‌نماید.

باتوجه به اهمیت محوری خانواده در جهان‌بینی اسلامی، در قوانین اساسی و مدنی ایران بنا و تحکیم نظام خانواده مورد توجه خاصی است. از جمله این توجهات به موارد ذیل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌شود.

اصل دهم - خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است. ازاین جهت همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزیهای مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

توجه به سه اصل مذکور یعنی تسهیل، پاسداری و تلاش برای استواری زندگی خانوادگی در زندگی اجتماعی امروز ایران قابل مشاهده است. در این میان بخصوص توجه به ارزش واقعی زن در حفظ کیان خانواده نیز از اهم مسائلی است که روح قوانین اجتماعی و مدنی را تشکیل می‌دهد. اصل بیستم و بیست‌ویکم قانون اساسی ایران در این مورد روشن است.

اصل بیستم - همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند. اصل بیست و یکم - دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین

ازدواج صرفاً یک اقدام فوری برای ارضای نیازها و یا یک عمل اجتماعی و تنظیم مناسباتی جدید محسوب نمی‌شود، بلکه دارای یک ارزش عبادی و اعتقادی است. براساس بیان دیگری از پیامبر اسلام، کسی که ازدواج می‌کند، نصف عبادت به او اعطا شده است.<sup>۷</sup>

در بسیاری از جوامع امروزی، یکی از عواملی که مانع تن‌دادن جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده می‌شود، محدودیتهای ظاهری برای آزادی فردی و مشکلات و مسائلی است که به دنبال زندگی مشترک به وجود می‌آید؛ مسائلی از قبیل کمبودهای اقتصادی، عدم تناسب روحیات زن و مرد، مشکلات فرزندان و...

سؤال اساسی در مقابل این مسائل این است که آیا چون این مشکلات وجود دارد، اگر توصیه به ترک ازدواج و در عوض ارضای نیازهای افراد، بویژه نیازهای جنسی از راههای دیگر بشود، بهتر نیست؟ پاسخ اسلام این است که ارزش و اهمیت خانواده در حدی است که بنا بر هیچ یک از این دلایل، توصیه به ازدواج را ترک نمی‌کند. در قرآن کریم آمده است که جوانان مجرد و نیکوکار خود را به ازدواج (یکدیگر) درآورید که اگر دچار تنگدستی (ومشکلات) هستند، خداوند از فضل خود آنان را غنی سازد.<sup>۸</sup> پیامبر اسلام نیز می‌گوید: "جوانان مجرد خود را امر به ازدواج کنید، پس خداوند اخلاق آنان را نیکو می‌کند، توانایی‌هایشان را افزون می‌سازد و خصلت‌های انسانی آنها را تقویت می‌کند"<sup>۹</sup>. ازدواج و تشکیل خانواده چون مبتنی بر نیازها و خصوصیات فطری انسانهاست، اگر درست انجام شود، نقائص روانی و شخصیتی هر یک از

اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱- ایجاد زمینه مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او

۲- حمایت مادران بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست

۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده

۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست

۵- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی

هرچند تا اجرای کامل و مطلوب این قوانین در جامعه ایران اقدامات زیادی باید انجام شود، ولی آنچه اساس جهت گیری جامعه ما را تشکیل می دهد، مقابله با باورهای غلط، تهدیدات و موانع علیه کیان خانواده و مسائل اجتماعی است که ارزش و قداست خانواده را در معرض خطر قرار می دهد.

## ۲- روابط زن و شوهر

زیربنای شکل گیری و تحول این نظام کوچک اجتماعی روابط زن و شوهر است. تحکیم و تداوم زندگی خانوادگی، توسعه نگرش مطلوب زن و شوهر نسبت به یکدیگر را می طلبد. اگر دو همسر یکدیگر را پذیرا باشند و بر روابط آنان عشق و مودت حکم کند، به قول "ابراهام مازلو" روان شناس معروف، حتی در سنین پیری که زیباییها و شادابیهای جوانی را از دست داده اند، یکدیگر را زیبا درک می کنند.<sup>۱۱</sup>

این نحوه ادراک زن و مرد از یکدیگر قطعاً ناشی از یک ادراک روانی و عاطفی در طرفین است که هم زن و هم مرد از ابتدای تشکیل خانواده، در ایجاد زمینه های آن نقش داشته اند. در حقیقت آنها خود خالق این زیباییها بوده اند و در سالهای میانی و پایانی زندگی زناشویی، به تماشای آن در وجود یکدیگر می نشینند.

بدیهی است اگر بخواهیم به قول ویکتور فرانکل (VIKTOR FRANKL) معنایی به زندگی انسانها بدهیم که رنجها را به خاطر یکدیگر تحمل کنند<sup>۱۲</sup> باید به آنها بیاموزیم که زندگی خانوادگی را بر پایه دوستی، محبت و ارزشهای معنوی و انسانی بنا کنند، نه تمایلات و صرفاً خواسته های خویش و اینکه هر یک بیایند تا امتیازاتی از دیگری در زندگی خانوادگی دریافت کنند. زمینه این دوستی در مرد و زن کشش جنسی و عاطفی آنان نسبت به یکدیگر است که در ابتدای این گفتار به عنوان یک نشانه لطف خدا به انسانها بیان گردید. در این باره پیامبر اسلام نیز نکاتی را بیان فرموده است، از جمله اینکه: "هیچ چیز برای یک انسان با ایمان، بعد از تقوای او نسبت به خداوند به اندازه همسر خوب مفید نیست"<sup>۱۳</sup>. و یا اینکه "بهترین کالا در (بازار) دنیا همسر نیکوست"<sup>۱۴</sup>.

در اسلام برای هدایت روابط زن و شوهر و تقویت این الفت و همدلی توصیه هایی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

قوام خانواده به دست مرد و با مسؤولیت اوست<sup>۱۵</sup>. این امر برای مرد یک وظیفه و مسؤولیت است و نه یک امتیاز. از زن درخواست می شود این مسؤولیت مرد را بپذیرد و مرد موظف است به خاطر مسؤولیت سرپرستی خانواده، از اخلاق و رفتار نیکو بهره

یک طرف شامل رفتارهایی است که پدر و مادر ممکن است و یا باید در مقابل فرزندان داشته باشند و از طرف دیگر آنچه را که فرزندان باید در جریان رشد روانی و شخصیتی در مقابل والدین ابراز نمایند، در بر می‌گیرد.

در هر کدام از این جنبه‌ها، رفتارها را می‌توانیم به دو بخش تفکیک کنیم: اول روابط روانی و عاطفی که ممکن است میان اعضای خانواده حاکم باشد. دوم وظایف تربیتی و اخلاقی. هدایت زندگی خانوادگی مستلزم تنظیم روابط در جنبه دوم است و این جنبه تا هنگام طفولیت فرزندان باید به توسط پدر و مادر راهبری شود و بعد از آنکه فرزندان از سن تشخیص و قبول مسؤلیت گذشتند، متقابلاً وظایفی در رفتارنسبت به پدر و مادر به عهده آنهاست.

از دیدگاه اسلام، زیبایی و ارزش زندگی خانوادگی به وجود فرزندان است<sup>۱۶</sup> و فقدان فرزند به عنوان یک عامل دل‌تنگی و ملالت زن یا مرد به حساب آمده است<sup>۱۷</sup>. در عین حال این نکته مورد تأیید است که فرزند برای انسان یک

گیرد و روابط خانوادگی را با همسر و فرزندان بر پایه محبت، صمیمیت و نرم‌خوبی تنظیم کند. در عین حال قداست خانواده در ارزشمندی و احترام به زن تجلی می‌کند و عمدتاً به صورت احترام فرزند به مادر. پیامبر اسلام می‌گوید: "کسی که بیشترین حق را بر زن دارد شوهر و کسی که بیشترین حق را بر مرد دارد مادر اوست."<sup>۱۵</sup>

از مهم‌ترین انتظاراتی که از زن در مقابل شوهر وجود دارد آن است که باعث خشم او نشود، او را اطاعت و احترام کند و محیط خانواده را برای او توأم با آرامش و صفا سازد. از مرد نیز انتظار می‌رود در خانواده با همسر و فرزندان خوش رفتار باشد، به آنها ابراز محبت و علاقه کند، همسر را تکریم نماید و رفتارش با او توأم با نرم‌خوبی و ملاحظت باشد.

### ۳- رفتار با فرزندان

یکی دیگر از جنبه‌های زندگی خانوادگی، روابط بین والدین با فرزندان است. این روابط از



وسيلهٔ آزمایش در زندگی است و انسان باید پرهیز داشته باشد از اینکه شیفته و فریفته او شود.<sup>۱۸</sup>

آنچه باعث ارزش کیان خانواده و احساس شرف و افتخار والدین می‌شود تربیت خوب و نیکو برای فرزندان است<sup>۱۹</sup> و در صورتی که فرزندی از مسیر رشد شخصیتی و اخلاقی خارج شود باعث انهدام شرافت و ارزش خانوادگی خواهد شد.<sup>۲۰</sup>

لذا مسؤلیت مهم پدر و مادر آن است که برنامه‌ای برای تربیت همه جانبهٔ فرزندان خود داشته باشند. از جمله وظایف در این برنامه، تربیت به منظور کسب اخلاق نیکو<sup>۲۱</sup>، انتخاب نام نیکو برای فرزند، فراهم کردن زمینه برای تعلیم او و مساعدت وی در امر ازدواج می‌باشد<sup>۲۲</sup>، یعنی آنچه کودک را برای یک زندگی موفق اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی توانمند می‌سازد.

در ارتباطات عاطفی با فرزندان نیز والدین وظایفی برعهده دارند، از جمله محبت نسبت به کودکان<sup>۲۳</sup> و مراعات عدالت در رفتار نسبت به آنان<sup>۲۴</sup> (با توجه به اینکه ممکن است والدین نسبت به فرزندان مختلف عواطف متفاوتی داشته باشند). در مواردی که والدین ممکن است توجه بیشتری به بعضی فرزندان پیدا کنند، توصیه به محبت و لطف بیشتر نسبت به دختران می‌شود، چون از نظر روحی و روانی لطیف‌ترند و بعلاوه نقش مهمی را در تأمین فضای عاطفی و معنوی زندگی آیندهٔ خویش به عهده خواهند داشت.

مقابلاً فرزندان نیز در مقابل والدین وظایف و مسؤلیتهایی به عهده دارند. از حقوق اخلاقی والدین بر فرزندان این است که بجز در موارد نافرمانی از دستورهای خداوند، در بقیهٔ امور

زندگی به رأی و نظر آنها احترام بگذارند.<sup>۲۵</sup> همچنین بر فرزند است که والدین را به اسم (بدون احترام) صدا نکند، در هنگام راه رفتن جلوتر از آنان نرود، جلو آنها ننشیند و زمینه‌های ناسزاگویی به آنها را به وجود نیاورد.<sup>۲۶</sup>

این وظایف و دیگر وظایف مشابه آنها، فرزند را در مقابل پدر و مادر ملزم به انجام رفتارهایی می‌کند که در مجموع، نیکی و احترام به آنها می‌باشد. در قرآن کریم انجام چنین رفتارهایی با والدین در چنان درجه‌ای از اهمیت قرار دارد که بعد از پیروی از دستورهای خداوند متعال قرار گرفته است. فرزندان موظف هستند پدر و مادر را احترام کنند و از تندی و درشتی با آنان پرهیزند.<sup>۲۷</sup>

اینها مواردی از رفتارها و روابط در درون خانواده و بین پدر و مادر و فرزندان با یکدیگر است. اساس این روابط را چند اصل مهم تشکیل می‌دهد که در پایان توجه به آنها خالی از لطف نیست:

۱- خانواده اولین و اساسی‌ترین واحد نظام اجتماعی است. حفظ و تقویت بنیانهای آن مورد تأکید بسیار است و دستورهای رفتاری که دارای جنبه‌های قانونی و اخلاقی می‌باشد با هدف حفظ بنیان خانواده تدوین و تنظیم شده است.

۲- روابط خانوادگی مثل هر ارتباط اجتماعی دیگر بین انسانها با در نظر گرفتن ارزشهای اخلاقی و معنوی است که منجر به سعادت و معنویت زندگی فردی و اجتماعی انسانها می‌گردد.

۳- اساس حفظ روابط خانوادگی، پیروی از ارزشهای اخلاقی است و نه صرفاً اتکاء به

- ۴ - خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه، هایدی روزن باوم، ترجمه محمد صادق مهدوی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۱
- ۵ - بحارالانوار، جلد ۷۴، صفحه ۵۲
- ۶ - مابنی بناء فی الاسلام احب الی الله عز وجل من التزویج
- ۷ - من تزوج فقد أعطی نصف العباده، بحارالانوار، جلد ۱۰۳
- ۸ - سورة نور، آیه ۳۲
- ۹ - بحارالانوار، جلد ۱۰۳
- ۱۰ - نقل از کتاب: ABRAHAM. H. MASLOW: MOTIVATION AND PERSONALITY MAN'S SEARCH FOR MEANING: ۱۱
- ۱۲ - کنزالاخبار، ۱۰، ۴۴۴۱۰
- ۱۳ - کنزالاخبار، ۱۳، ۴۴۴۵۱
- ۱۴ - قرآن کریم، سورة نساء، آیه ۳۴
- ۱۵ - کنزالاخبار، ۱۵، ۴۴۷۷۱
- ۱۶ - کنزالاخبار - ۱۶، ۴۵۴۵۱
- ۱۷ - غررالحکم و فروع کافی، جلد ۶، صفحه ۲
- ۱۸ - قرآن کریم، سورة انفال، آیه ۲۸ / سورة منافقون، آیه ۹ / سورة تغابن، آیه ۱۵ - ۱۴
- ۱۹ - بحار، جلد ۱۰۴، صفحه ۹۰ / فروع کافی، جلد ۱، صفحه ۲ / بحار، جلد ۱۰۴، صفحه ۹۸
- ۲۰ - غررالحکم
- ۲۱ - مستدرک، جلد ۲، صفحه ۶۲۵
- ۲۲ - مکارم الاخلاق، صفحه ۱۱۴
- ۲۳ - وسائل الشیعه، جلد ۵، صفحه ۱۱۴ / بحار، جلد ۲۳، صفحه ۱۱۳
- ۲۴ - بحار، جلد ۲۳، صفحه ۱۱۳ / کنزالاخبار، ۴۵۳۴۷
- ۲۵ - نهج البلاغه، حکم ۳۹۹
- ۲۶ - بحار، جلد ۷۴، صفحه ۴۵
- ۲۷ - قرآن کریم، سورة اسراء، آیه ۲۵ - ۲۳

امتیازات و حقوقی که قانون برای مرد و زن یا فرزندان در نظر گرفته است. اگر بخواهیم خانواده را حفظ کنیم باید هر عضوی نسبت به انجام وظایف خویش احساس مسؤلیت داشته باشد، نه آنکه حقوق و امتیازات شخصی را جست و جو کند. براین اساس است که مرد باید به عنوان یک اصل اخلاقی، احترام به مادر را به عنوان مظهر گرمی و صفای خانواده در رأس وظایف اخلاقی قرار دهد، زن همراهی و همدلی با شوهر را و فرزندان احترام و تکریم والدین را همه با هم به جای تلاش برای رسیدن به خواستها و امیال شخصی، تحقق لطافت ها و زیباییهای اخلاقی را در محیط گرم خانواده سرلوحه کارها به حساب آورند.

بحرانی که خانواده را در جوامع امروز تهدید می کند تا چه حد ناشی از فقدان حاکمیت ارزشهای اخلاقی در خانواده است؟ آیا جز با فداست بخشیدن به روابط خانوادگی و پرهیز از اشاعه برنامه های فرهنگی و اجتماعی که تمامیت و انسجام این واحد مقدس انسانی - اجتماعی را تهدید می کند، خواهیم توانست به بشریت نوید زندگی روشنی را بدهیم؟

تمدن امروز به اندازه ای قابل توجه به بشر علم و تکنیک هدیه کرده است. اگر می خواهیم آدمی را به سعادت حقیقی رهنمون باشیم، بیایم دست به دست هم بدهیم و زیبایی های روحی، لطافت های معنوی و تقدس های اخلاقی را در درون خانواده به او اهدا کنیم. بشر از خانواده و در خانواده است که نجات می یابد و سعادت مند می شود. به امید آن روز

پاورقیها:

- ۱ و ۲ - قرآن کریم، سورة روم، آیه ۲۱
- ۳ - قرآن، سورة نحل، آیه ۸۰